

۱۵۹۴/۷۱

قرارهای پشت‌بام

نویسنده:

حامد جباری سوران



انتشارات روشا

تهران ۱۳۹۷

سرشناسه	:	حیدری سوران، حامد، ۱۳۶۴ -
عنوان و نام پدیدآور	:	قرارهای پشت‌بام/ نویسنده حامد حیدری-سوران.
مشخصات نشر	:	تهران: روشا، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	:	۴۱۶ ص؛ ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.
وضعیت فهرست‌نویسی	:	فیا
شابک	:	978-600-5595-41-3
موضوع	:	داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴
موضوع	:	Persian fiction -- 20th century
رده‌بندی کنگره	:	۱۳۹۶ ق ۸۳۸۶ ی ۴ / PIRA۰۳۱
رده‌بندی دی‌سی	:	۸۸ ۳/۶۲
شماره ثبت‌اسی ملی	:	۴۹۷۹۰۹۲



قرارهای پشت‌بام

نویسنده: حامد حیدری سوران

چاپ اول: ۱۳۹۶

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

چاپ: نشاط

طراح جلد: پرین حمزه‌لو

صفحه‌آرایی: ارمغان

قیمت ۲۸۰۰۰ تومان

شابک: ۳-۴۱-۵۵۹۵-۶۰۰-۹۷۸

آدرس: تهران، شهرک ژاندارمری، بلوار مرزداران، خیابان لادن،

بلوک ۴ طبقه ۴، واحد ۱۲ تلفن: ۴۴۲۳۳۰۷۸ همراه: ۰۹۱۲۸۱۹۰۱۴۲

roshapub@gmail.com

مقدمه

۱- هدف از ادبیات چیست؟ این پرسشی قدیمی است که پاسخ‌های متفاوتی برای آن پیشنهاد شده است.

در تعریف کلاسیک هدف ادبیات تعالی و برتری و برکشیدن انسان است از ضعف‌ها و سستی‌ها و ناتوانی‌ها و کژی‌ها و انحراف‌ها، و نشان دادن راه درست. مستقیم است به او. به همین دلیل است که گذشتگان ما نامی که هم ریشه با ادب و ادب و مودب و تادیب و... به ادبیات داده‌اند.

اما امروز، بعد از گذشت بیش از پنج قرن از تولد ادبیات مدرن و اختراع ماشین چاپ، بی‌شک نمی‌توان گفت که هدف ادبیات ادب کردن انسان‌هاست و وظیفه‌ی نویسندگان هدایت‌گری و راه‌بردن است به سمت تعالی. از سال‌ها پیش، و همزمان با پیدا شدن نویسندگان بزرگ در غرب و توسعه‌ی ادبیات تا پایین‌ترین لایه‌های اجتماع و عنوان و شمارگان کتاب‌های ادبی مشخص شد که اساساً برای ادب شدن که با هدف لذت بردن شعر و رمان خوانی را از "آپشن‌های زندگی خود انتخاب کرده‌اند.

۲- لذت، واژه‌ای عام است و اشاره به حس خوشی دارد که انسان از انجام دادن کاری به دست می‌آورد. لذت در ادبیات نقطه‌ی تلاقی اندیشه و فکر و بینش تولیدکننده‌ی ادبیات از یک سو، و انتظار و باور و خواست خواننده از سوی دیگر است. به عبارت دیگر هدف تولیدکننده‌ی ادبیات گفتن یک حرف یا یک کشف، به شکلی زیبا و جذاب به خواننده است و هدف خواننده همراه شدن با نویسنده است در شنیدن و دانستن و درک

و کشف آن حرف.

از این جاست که نقطه‌ی تعادل یا گرانیگاه نویسنده، اثر، خواننده، یعنی لذت‌بخشی ادبیات به دست می‌آید.

و باز از این جاست که بین همه‌ی تعریف‌های قدیمی و جدید از ادبیات نقطه‌ی مشترکی پیدا می‌شود و دایره‌ی تنگ ادبیات سنتی به اندازه‌ی همه‌ی متون ادبی لذت‌آفرین گسترش پیدا می‌کند.

۳- امروز، برخلاف صد و دویست و سیصد سال پیش، کم‌تر انسانی در جهان پیدا می‌شود که مهارت نوشتن نداشته باشد. اما هنوز هم تولید متن ادبی ارزش ویژه و عملی خاص مانده است. به عبارت دیگر نسبت تعداد تولیدکنندگان متون ادبی به هفت میلیارد انسانی که امروز در کره‌ی زمین زندگی می‌کنند، در مقایسه با درصد مهندسان و دکتراها و راننده‌ها و خلبانان و... بسیار کم است. روشن‌تر آن که علیرغم پیشرفت بشر در جهات مختلف هنوز تولید متن ادبی کاری ویژه و تولید کننده‌ی متن ادبی انسانی ویژه و مهم و برجسته است.

۴- تولید کننده‌ی متون ادبی کیست؟ آیا کسی شود نویسنده‌ی شاعری را آموخت؟ تولید کردن متن ادبی، یک منبع اطلاعاتی و ابزاری دارد و یک بخش مهارتی. همان‌طور که یک نقاش باید اطلاعات از همه‌ی خط‌ها و رنگ‌ها و قلم‌ها داشته باشد و بتواند زیر کار را بسازد و درست آماده کند و... و یک نوازنده‌ی تار که باید تار دست گرفتن و مضراب به سیم زن و پرده و... را بداند و انواع سیم‌ها و مضراب‌ها و تارها را بشناسد و... یک تولید کننده‌ی متون ادبی نیز باید زبان و ادبیات و دستور زبان و تاریخ ادبیات و انواع ادبی و... را بلد باشد.

این اتفاق نمی‌افتد مگر با مطالعه‌ی پیگرانه‌ی شخصی، یا شرکت در

کلاس‌های آموزش تولید متون ادبی. اگر این تلاش انجام شود و شخص دانش و اطلاعات اولیه که پیش نیاز تولید متون ادبی است را کسب کند، و باز اگر آن مایه‌ی لازم برای نوشتن متون ادبی در آن شخص وجود داشته باشد، می‌توان امید داشت که نویسنده‌ای جوان به جمع نویسندگان اضافه شود.

۵- حامد خیدری، دانش‌آموخته‌ی مهندسی معماری است، اما هر زمان دنداده‌ی ادبیات و در بند رمان و داستان است. من کم‌تر کسی را دیده‌ام که به اندازه‌ی او حرص نوشتن، و البته درست و دقیق و ارزشمند نوشتن، و تولید متنی ماندنی را داشته باشد.

رمان "قرارهای پشت‌بام" حاصل چندین سال تلاش و جست و جو و نوشتن و بازنوشتن این نویسنده‌ی سخت‌کوش و جوان است.

"قرارهای پشت‌بام" یک رمان حادثه‌ای - عشقی است که نویسنده‌ی جوان ما در آن تلاش کرده است که آل‌جوی بی‌اساس و مطالعه نشده را در آسیاب جوانی و عشق و امید بسازد و از آرد آن نانی درخور دندان خواننده‌ی رمانش بسازد.

در این رمان مهندس جوانی به نام کیوان از یک طرف در بند عشقی نوجوانانه و ناپخته است و از طرف دیگر پابسته‌ی وره‌ال‌الگوی کیوان انسانی کامل است، اما کیوان در توهم رسیدن به آن انسان کامل، چنان سردرگم و سرگردان می‌شود که تا در سرایشی سقوط می‌کند و تا پایین‌ترین درجات انسانیت یعنی دروغ و حيله و قتل نفس پیش می‌رود.

ولی اتفاقاتی که هیچ کدام در سازمان باورهای کمال جویانه‌ی کیوان جایی ندارند، او را نجات می‌دهد. کولی سم فروش، حيله‌گر از آب درمی‌آید و مرد مرموز آشنا و در نهایت معشوق خیانتکار و نامزدش نه عامل بدبختی که دلیل آگاهی و رسیدن کیوان به کمالی واقعی می‌شوند. نام رمان از پناهگاه کیوان، یعنی پشت‌بام ساختمانی که خانه‌ی کیوان

و معشوقه‌اش شیدا در آن قرار دارد، گرفته شده است. این رمان انباشته از نکته‌های ظریف و توصیف‌های شاعرانه و ظنازی‌های نویسنده‌ای خوش ذوق و نکته‌بین است.

رمان "قرارهای پشت‌بام" بی‌شک از جمله رمان‌هایی است که می‌شود آن را نمایش صادقانه‌ی جامعه‌ی امروز و جوان جامعه‌ی امروز دانست. جامعه‌ای که همه‌ی ویژگی‌های کهنگی در کنار تجدد خواهی و عدم اعتماد به خود و بیگانه و... را نشان می‌دهد. در این نوع جوامع سرعت زندگی با زمان با شتابی باور نکردنی می‌گذرد و انسان‌ها فرصتی برای کمی استراحت و تأمل نداشتن به دیروز و امروز و حال نمی‌کنند. در چنین جامعه‌ی شتابان، جوانان که در ذات خود شتابگرند، بسیار زودتر گم می‌شوند و چندبار آسید می‌بینند و به چندین شکل و صورت ویرانی و ویرانگری را تجربه می‌کنند.

حسین بکایی

استانبول

۲۱ ژانویه ۲۰۱۷